



بررسی رابطه هوش هیجانی و رضایت زناشویی بین دانشجویان دانشگاه آزاد واحد ساری، نکا و قائم شهر

اکبر زرین صدف^{*۱}

نورا عبدی^۲

ربابه بخشی پائین رودپشتی^۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه هوش هیجانی و رضایت زناشویی بین دانشجویان دانشگاه آزاد واحد ساری، نکا و قائم شهر انجام شده است. این پژوهش از نظر هدف کاربردی، از نظر ماهیت توصیفی و از نظر روش زمینه یابی است. جامعه آماری، شامل کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد واحد های ساری، قائم شهر و نکا می باشد که تعداد آنها ۲۴۹۴۱ نفر گزارش شده است. براساس جدول کرجسی و مورگان، حجم نمونه برابر ۱۰۰ نفر محاسبه و با روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای، افراد نمونه انتخاب شدند. ابزار اندازه گیری، پرسشنامه استاندارد هوش هیجانی «بار-آن» و اینریچ بوده است که روایی و پایایی آن مورد تایید صاحب نظران و متخصصان این امر واقع گردیده است. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از روش های آمار توصیفی (فراوانی، درصد فراوانی، شاخص های گرایش به مرکز (میانگین) و شاخص های پراکندگی (انحراف معیار) و آمار استنباطی (آزمون های t تک متغیری و همبستگی پیرسون و سطح معناداری دودامنه) استفاده شده است. یافته ها نشان داد بین هوش هیجانی و تعارضات زناشویی در زنان و مردان، هوش هیجانی و تعارضات زناشویی در زنان، هوش هیجانی و تعارضات زناشویی در مردان، هوش هیجانی در زنان و مردان و نهایتاً تعارضات زناشویی در زنان و مردان تفاوت معناداری وجود دارد.

واژگان کلیدی: هوش، هوش هیجانی، رضایت، رضایت زناشویی

۱. کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، مشاور دبیرستان شاهد مقطع متوسطه اول، آموزش و پرورش شهرستان ساری.
۲. کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، آموزگار مقطع ابتدایی دبستان شهیدیدالله نجفی پایین دزا، آموزش و پرورش ناحیه یک شهرستان ساری.
۳. کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، مشاور دبیرستان نمونه دولتی مهندس پروین ناحیه ۲ آموزش و پرورش شهرستان ساری.
*نویسنده مسئول: a.zarrinsadaf.59@gmail.com

مقدمه

خانواده به عنوان یک واحد به ظاهر کوچک اجتماعی، از ارگان عمده نهادهای اصلی هر جامعه به شمار می‌رود. در واقع هر خانواده خشت بنای جامعه و کانون اصلی حفظ سنت و رسوم و ارزش‌های والا و مورد احترام و شالوده‌ی مستحکم پایداری اجتماعی و روابط خویشاوندی، مبدأ بروز و ظهور عواطف انسانی و کانون صمیمانه‌ترین روابط میان افراد و پرورش فکر و اندیشه و اخلاق و تعالی روح انسان به شمار می‌رود. خانواده به عنوان واحد عاطفی - اجتماعی کانون رشد و تکامل، تحول و تغییر است. در نتیجه تأثیر بسزایی در تعادل روانی، عاطفی و اجتماعی داشته و به عنوان کوچک‌ترین کانون اجتماعی شدن متضمن پذیرش نقش‌های اجتماعی و همخوانی با هنجارهای اجتماعی می‌باشند.

خانواده سالم نظامی باز است که اعضای آن در عین حال که از روابط عاطفی گرمی با هم برخوردارند هویت فردی خود را حفظ می‌کنند. در این خانواده عشق و محبت به طور نامشروط تبلور پیدا می‌کند و اعضاء پذیرای یکدیگر هستند. آستانه تحمل خانواده در برابر کشمکش و استرس بالا است و به هنگام نیاز، داوطلبانه در صدد یاری و خواهان آن می‌باشند. (والنس^۱، ۱۹۸۲).

در بعضی خانواده‌ها، ائتلاف قوی و روشنی بین والدین وجود دارد و قدرت بین والدین تقسیم می‌شود. اعضاء خانواده با هم نزدیک و صمیمی هستند با این حال حریم شخصی افراد حفظ می‌شود و استقلال و فردیت اشخاص مورد احترام است. (بیورز^۲، بلنسی^۳ و ورن گیا^۴، ۱۹۷۹ به نقل از والنس، ۱۹۸۲).

در مقابل خانواده مختل خانواده‌ای است که قادر به تأمین نیازهای تکاملی اعضاء، حل مشکلات و تعارضات خود نیست، کارکرد او مختل است، مرز بین اعضاء نامشخص است و اعضاء استقلال رأی ندارند. حمایت و همکاری رخ نمی‌دهد. نظام خانواده بسته و اعضاء آن به لحاظ عاطفی سرد، جدا از هم و گسسته می‌باشند. احساس فراگیر افسردگی وجود دارد (همان منبع) دستاوردهای عصب شناسان وجود حداقل دو هوش مجزا را در انسان تأیید می‌کنند. هوش شناختی و هوش هیجانی. (گلمن^۵، ۱۹۹۸).

هوش شناختی شامل توانایی‌های کلامی، فضایی، منطقی و انتزاعی است که اجزای سازنده بهره هوشی (IQ) شمرده می‌شوند. هوش هیجانی شامل توانایی بازشناسی معانی هیجانات و استفاده از آن در جهت فکر کردن و برقراری ارتباط می‌باشد. در حالی که برخی از مؤلفان هوش هیجانی را به گونه‌ای محدود مورد توجه قرار داده‌اند برخی دیگر (گلمن، ۲۰۰۱) از آن به منزله ظرفیتی عمومی برای سازش یافتگی هیجانی و اجتماعی یاد کرده‌اند.

قسمت اعظم توجه به هوش هیجانی از روایی صوری این سازه ناشی می‌شود. وقتی که هوش هیجانی به طور نظام یافته‌ای توسط سالووی و مایر (۲۰۰۰) مفهوم سازی گشت به عنوان سازه‌ای فرض شد که نه تنها آن چه را که به طور نسبی «هوشمندی» در نظر گرفته می‌شود وسعت می‌بخشد، بلکه به منزله چیزی است که یاد گرفته می‌شود و قابل آموزش است و ممکن است مبنای زندگی، کیفیت روابط بین فردی و موفقیت‌های شغلی قرار گیرد. در واقع شاید به پاس چنین غنایی بود که انجمن زبان شناختی آمریکا هوش هیجانی را به منزله یکی از سودمندترین واژگان انتخاب کرد. (مایر^۶، سالووی^۷ و کارسو، ۲۰۰۰).

گلمن (۲۰۰۱) دو شیوه متفاوت آگاهی داشتن را بیان می‌کند: شیوه عقلانی و شیوه هیجانی و زندگی روانی انسان را ناشی از تعامل هر دو کارکرد می‌داند. او معتقد است به جای نادیده انگاشتن هیجانات، شخص باید هوشمندانه با آنها مواجه شود. تنها با

-
1. Valance
 2. Biourze
 3. Belniasky
 4. Vergia
 5. Goleman.
 6. Mayer
 7. Salovey

هوش هیجانی می توان خود را برای پایداری در مواجهه با ناکامی برانگیخت، حالات روحی و خلقی خود را تنظیم نمود، ارضای نیاز را به تعویق انداخت و از غرق شدن تفکر در مسائل ناراحت کننده اجتناب کرد و با دیگران همدلی نمود.

هوش هیجانی در دهه های اخیر از محبوبیت فزاینده‌ای برخوردار شده است. یکی از دلایل این محبوبیت به اعتقاد گلمن آن است که هوش هیجانی بیش از سازه سنتی بهره هوش، پیش بینی کننده موفقیت اجتماعی است و نارسایی آن نیز چنانچه تیلور^۱ و باگی^۲ (۲۰۰۰) تصریح کرده‌اند عاملی خطرزا برای بروز اختلال هایی در قلمرو سلامت روانی است.

محققان سال هاست که به دنبال شناسایی سایر مؤلفه های هوشمندی بوده اند ثرندایک (۱۹۲۰) پیشنهاد می کند که توانایی اجتماعی، عنصر مهمی از هوش می باشد. هوش اجتماعی از نظر ثرندایک توانایی درک دیگران، عمل و رفتار هوشمندانه و خردمندانه در روابط با دیگران است، لذا از اشکال انتزاعی و مکانیکی هوش، متمایز می شوند.

با توجه به جنبه های تحول هوش هیجانی سه مشخصه از توانش های ذهنی در نوجوانان اهمیت دارد :

الف) ادراک^۳، ارزیابی و بیان هیجانات: یعنی توانایی تشخیص و فهم هیجانات خویشتن و سایر افراد مبتنی بر سر نخ های موقعیتی و بیانی که معانی هیجانی آنها با توافق فرهنگی همراه است (سارنی^۴، ۲۰۰۰).

ب) تنظیم^۵ : کنترل هیجانی و توانایی برخورد سازگارانه با هیجان های مختلف یا منفی با استفاده از شیوه های خودتنظیمی که شدت یا طول مدت حالات چنین هیجاناتی را بهبود می بخشد و نیز قابلیت ایجاد شرایط لذت بخش برای سایر افراد پنهان کردن هیجانات منفی خود به منظور اجتناب از آسیب رساندن به احساسات شخصی دیگران (سارنی، ۲۰۰۰).

ج) بهره برداری از هیجان: یعنی توانایی برنامه ریزی مختلف و استفاده از هیجان در مسأله گشایی (سالوی و مایر، ۲۰۰۱).

نرخ پنجاه درصدی طلاق در آمریکا حاکی از کارکرد مختل خانواده هاست و متأسفانه افزایش بیش از پیش میزان طلاق در سال های اخیر در ایران نیز واقعیت تکان دهنده و ناراحت کننده ای است لذا پرداختن به این معضل راهکارهای مقابله و درمان اختلاف زناشویی از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد.

بزرگترین تحول ساختاری در خانواده ایرانی در چند دهه اخیر، تبدیل خانواده گسترده به خانواده هسته ای شهرنشین بوده است. این تغییرات بنیادین تأثیرات خود را در همه زمینه های ممکن نظیر نحوه ارتباط خانواده با یکدیگر، اهمیت عاطفی اعضای خانواده برای هم، معنی و مفهوم مقوله خانواده، عملکرد اقتصادی خانواده و نیز نقش جنسیت ها بر جای گذاشته است. (پیرمرادی، ۱۳۷۹).

در راستای این مهم ایجاد و استحکام فرهنگ تبادل نظر و گفتمان و نیز تدوین راهبردهای عملی در راستای یافتن راه حل های مشخص و ممکن در شرایط بحرانی ، مهمترین چالش در زندگی خانوادگی به شمار می رود. بدین لحاظ شناخت مسائل و مشکلات زوجینی که در زندگی مشترک دچار بحران شده اند و یا در آستانه طلاق قرار گرفته اند، از اهمیت ویژه ای برخوردار هستند در همین راستا و براساس ضرورت ایجاد شده در زمینه ی خانواده به بررسی مسائلی در این زمینه پرداخته می شود.

طلاق خواه به عنوان یکی از علل یا معلول ناهنجاری های اجتماعی به نوبه خود معلول تعامل های نامناسب بین زوجین است. بروز طلاق یک مشکل جهانی محسوب می شود و در فرهنگ اسلامی یکی از مبعوض ترین حلال ها به شمار می رود. پیامدهای سوء طلاق بر پیکر اجتماع و پدیدآیی نابسامانی متعاقب آن برای زن و شوهر و فرزندان و نیز کسانی که به نوعی با آنان مرتبط می باشند در ابعاد مختلف روانی ، اقتصادی ، اجتماعی حائز اهمیت است و ضرورت و اهمیت خاص بررسی عوامل زمینه ساز پدیده طلاق و ارائه راهبردهایی برای مداخله در این امر را نمایان می سازد.

1. Thaylor
2. Bagby
3. Perception
4. Sarani,c
5. Regulation

طلاق و فروپاشی خانواده ضمن بر هم زدن تعادل روانی، عاطفی افراد و جامعه منجر به بروز بسیاری از آسیب های اجتماعی مانند فحشا، انحراف اجتماعی، انحرافات جنسی و خودکشی، فرار از منزل، سرقت، اعتیاد، تکدی گری، ولگردی، خیابان گردی می گردد و با توجه به آسیب های اجتماعی پیامد طلاق و آثار سوئی که طلاق برای سلامت روانی - عاطفی افراد خانواده خصوصاً کودکان دارد باید تدابیر لازم برای حفظ و انسجام خانواده به کار رود و از مجموعه تدابیر علمی و تخصصی برای کاهش آن استفاده شود. در گذشته در کشور ما به علت حاکمیت روابط عاطفی خانوادگی و اصول ارزشی خاص فرهنگ اسلامی آمار طلاق از نسبت بسیار پایینی برخوردار بود. اما متأسفانه در سال های اخیر به دلایل متعدد از جمله شناخت سطحی زوجین قبل از ازدواج نسبت به یکدیگر، پایین آمدن ضریب تفاهم و سازش پذیری بین زوجین، توسعه شهری و بروز مشکلات اقتصادی - اجتماعی، مخدوش شدن مرزهای بین اعضای خانواده، تبدیل خانواده گسترده به خانواده هسته ای، بدون آمادگی و ابزار فردی لازم و ... روابط عاطفی خانواده ثبات و استحکام خود را تا حدودی از دست دادند و این امر موجب افزایش روند آمار طلاق در کشور شده است. به طوری که نسبت طلاق به ازدواج در سال ۱۳۷۰، ۷/۱ درصد بوده در سال ۱۳۷۷، ۱۳/۶۹ و نیمه اول سال ۸۱ در تهران بالغ بر ۴۰ درصد بوده است (سازمان ثبت احوال کشور، ۱۳۸۱).

اهداف پژوهش

الف) هدف کلی

هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه بین هوش هیجانی و ناسازگاری زناشویی است و اهداف فرعی این پژوهش در گستره نظری مطرح می شود.

گستره نظری تحقیق :

شناسایی مؤلفه های سبب شناسی اختلافات .

شناخت میزان ناسازگاری زناشویی .

شناخت میزان تعارضات بین فردی و هوش هیجانی در زوجین دارای مشکل .

ب) اهداف ویژه

۱- تعیین رابطه بین هوش هیجانی و تعارضات زناشویی در زنان و مردان .

۲- تعیین رابطه بین هوش هیجانی و تعارضات زناشویی در زنان .

۳- تعیین رابطه بین هوش هیجانی و تعارضات زناشویی در مردان .

۴- تعیین رابطه بین هوش هیجانی و در زنان و مردان .

۵- تعیین رابطه بین و تعارضات زناشویی در زنان و مردان .

دستاوردهای عصب شناسان وجود حداقل دو هوش مجزا را در انسان تأیید می کنند. هوش شناختی و هوش هیجانی. (گلن، ۱۹۹۸). هوش شناختی شامل توانایی های کلامی، فضایی، منطقی و انتزاعی است که اجزای سازنده بهره هوشی (IQ) شمرده می شوند. هوش هیجانی شامل توانایی بازشناسی معانی هیجانات و استفاده از آن در جهت فکر کردن و برقراری ارتباط می باشد. گلن (۲۰۰۱) دو شیوه متفاوت آگاهی داشتن را بیان می کند: شیوه عقلانی و شیوه هیجانی و زندگی روانی انسان را ناشی از تعامل هر دو کارکرد می داند. او معتقد است به جای نادیده انگاشتن هیجانات شخص باید هوشمندان به آنها مواجه شود. تنها با هوش هیجانی می توان خود را برای پایداری در مواجهه با ناکامی برانگیخت، حالات روحی و خلقی خود را تنظیم نمود، ارضای نیاز را به تعویق انداخت و از غرق شدن تفکر در مسائل ناراحت کننده اجتناب کرد و با دیگران همدلی نمود.

در تعریف رضایت آمده است: خوشی برآمده از آگاهی به یک وضع راحت است که معمولاً با ارضاء بعضی تمایلات خاص پیوند خورده است و از آنجایی که رضایت خوشایند است لذا خوشایندی ممکن است به رضایت تبدیل شود. افراد رضایت را در فکر کردن بر وضعیتی که در مرحله اول از خوشایندی برای آنها حاصل می شود به دست می آورند. تعریف فوق بین رضایت و خوشایندی تفاوت قائل می شود. خوشایندی حالتی است که از ارضاء نیازهای نهادی شده در انسان به وجود می آید و رضایت از ارزیابی منطقی درباره حالت خوشایند ایجاد می گردد و در کنش های متقابل اجتماعی و بروز حالت های روانی افراد نسبت به یکدیگر به دست می آید و به عبارت دیگر رضایت از تعادل بین حالت های خوشایند کننده را احساس کنند. از این سو رابطه تنگاتنگی بین هوش هیجانی و تعارضات زناشویی وجود دارد.

اساساً شناخت، عاطفه و انگیزش سه شیوه کنش ورزی ذهن آدمی اند. شناخت شامل کنش های حافظه، استدلال، قضاوت و تفکر انتزاعی است، عاطفه در بر گیرنده هیجان ها، حالت های خلقی، ارزیابی ها و دیگر حالت های احساسی است و انگیزش که در قلمرو شخصیت قرار دارد شامل کشش زیست شناختی یا رفتارهای آموخته شده جستجوی هدف است (فت و هاو، ۲۰۰۳). آدمیان به جای فعل پذیری، موجوداتی پویایی اند. آنان فعالانه معنای محیط اجتماعی خود و فرصت ها و تهدیدهای موجود را تعبیر و تفسیر می کنند. رفتارها به گونه ای ارتجاعی، اجتماعی وابسته به موقعیت است و تمام اعمال درون یک بافت فرهنگی معین که از نظر اجتماعی واجد معنای تعریف شده است قرار می گیرد. رفتار در تمام افراد تحولی است و در چهارچوب معنی که در بر گیرنده رفتارها، تکالیف و اهداف مناسب با جایگاه فرد یا مرحله از چرخه زندگی که در آن قرار دارد، قابل درک است (زیرکل، ۲۰۰۰).

پسا و وشیف (۱۹۸۹) بر این باور بودند که در آینده پژوهشگران به بعد دیگری از نبوغ توجه خواهند کرد که شامل رشد افراد دلسوز، علاقمند، مشفق و متعهد است که نبوغ خود را به همان اندازه که در جهت خودشکوفایی به کار می برند در راستای سود جامعه به کار خواهند بست.

پیوندهای موجود میان زن و شوهر و خطوط فکری نادرستی که می تواند آن ها را بگسلد در سال های اخیر با دقتی بی سابقه مورد واری قرار گرفته اند. شاید بتوان گفت که بزرگترین پیشرفت شایان توجه در درک عواملی که به حفظ یک ازدواج یا بر هم زدن آن می انجامند، استفاده از مقیاس های فیزیولوژیک پیچیده ای است که به کمک آنها می توان لحظه لحظه نوسانات عاطفی یک زوج را در برخوردهای میان آنها پیگیری کرد.

هوستون دریافت که در دوران قبل از ازدواج، مردان تمایل بیشتری دارند تا به آن گونه صحبتی بپردازند که همسر آینده شان آن را شاهی بر وجود صمیمیت می انگارد. اما پس از ازدواج، با گذشت زمان، مردان به خصوص در زوج های سنتی تر وقت کمتری را به این قبیل صحبت ها با همسران خود اختصاص می دهند، از انجام کارهای مشترک مانند باغبانی کردن به همراه یکدیگر، بیشتر از صحبت کردن درباره ی چیزهای مختلف احساس نزدیکی می کنند.

مؤلفان (براون، ۱۹۹۳، مایرز و کوهن، ۱۹۹۲، به نقل از تیلور و باگی، ۲۰۰۰) دریافته اند که سطوح عالی تر تجسم هیجان ها در سیستم های حافظه کاری و حافظه تداعی نه تنها ارزیابی هشیار و خود نظم دهی حالت های برانگیختگی هیجانی را گسترش می دهد (مسیرهای عصبی اخیر از قشر بیش پیشانی و هیپوکامپ تا آمیگدال امتداد دارند) بلکه فرد را قادر می سازد تا به قصد قبلی، احساسات خود را از طریق زبان و تصاویر به دیگران منتقل کنند. علاوه بر این تجسم ذهنی تجارب عاطفی تعامل خود با دیگران به ایجاد خاطرات، تخیلات و رویاها میدان می دهد که خود کمک مضاعفی در حفظ و تعدیل حالت های برانگیختگی هیجانی به شمار می رود.

تحقیق در زمینه هوش هیجانی در دو شاهراه اصلی در جریان است که در زیر به آن اشاره شده است:

- الف) الگوهای آمیخته توانش / صلاحیت اجتماعی که در آن هوش هیجانی با دیگر مهارت ها و خصیصه ها در هم آمیخته شده اند.
- ب) الگوهای توانایی که در آن هوش هیجانی به منزله هوش به انضمام هیجان است.

هوش هیجانی مبتنی بر رگه و توانش :

محققان و نظریه پردازان در شتاب برای ایجاد مقیاس های اندازه گیری این سازه از تفاوت بنیادینی که بین کارآمدی پیشینه در مقابل کارآمدی متداول قرار داشت چشم پوشی کردند. بنابراین به طراحی و استفاده از پرسشنامه های خودسنجی پرداختند. شیوه ای که متغیرهای تفاوت های فردی اندازه گیری می شد (خودسنجی در مقابل کارآمدی بهینه) اثری مستقیم بر عملیاتی کردن آنان داشت (مایر ۲۰۰۰).

الگوی بهره هیجانی بار- آن (۲۰۰۲) آمیزه ای از قابلیت های مرتبط با هیجان، رگه های شخصیت و سایر زمینه های وابسته است، از این روست که آن را «الگوی آمیخته» نامیده اند. مؤلفان مانند ماتو، زیدنر و رابرتز (۲۰۰۲) روی آورد بار- آن را به جای ژورنالیستی بودن روی آوردی علمی می دانند.

بار- آن (۲۰۰۰) تأکید می کند که E-Q-J برای اندازه گیری هوش هیجانی و اجتماعی طراحی شده است نه سنجش رگه های شخصیت یا قابلیت شناختی. این مؤلف الگوی خود را چند وجهی، مرتبط با پتانسیل عمل به جای عملکرد و معطوف بر فرآیند به جای نتیجه نهایی در نظر می گیرد و در تعریف عملیاتی هوش هیجانی (بار- آن، ۲۰۰۲) را مجموعه ای از قابلیت های غیر شناختی، صلاحیت ها و مهارت ها که توانایی فرد را برای مقابله موفقیت آمیز با خواسته ها و فشارهای محیطی تحت تأثیر قرار می دهند می داند. بار- آن (۲۰۰۲) در الگوی خود به ارائه تعریف گسترده ای از هوش هیجانی پرداخت که بر وجوه هیجانی، شخصی، اجتماعی و حیاتی هوش تمرکز داشت و جوهی که برای کنش ورزی روزمره مهمتر از جنبه های شناختی تستی هوش به کار می آیند. بار- آن عقیده دارد که الگوی وی در مقایسه با آنچه هوش هیجانی و اجتماعی نامیده می شود بر حوزه مطالعاتی گسترده تری مبتنی است و استفاده از مقیاس او یعنی پرسشنامه بهره هیجانی بار- آن (E-Q-J) در محیط های مختلف در خصوص رفتارهایی که مستلزم صلاحیت هیجانی و اجتماعی و همچنین سازه بنیادین هوش هیجانی و اجتماعی هستند، اطلاعات بیشتری به دست می دهد. بار- آن (۱۹۹۷) الگوی غیر شناختی خود از هوش هیجانی را مرکب از پنج حوزه وسیع مهارت ها یا قابلیت ها می داند که در درون هر یک از مهارت های خاص تری نیز وجود دارد که به شرح زیر است :

مهارت های درون فرد (خود- آگاهی هیجانی، جرأت ورزی، احترام به خود، خود- شکوفایی، استقلال)

مهارت های بین فردی (همدلی، مسئولیت پذیری اجتماعی، روابط بین فردی)

سازش یافتگی (حل مسأله، آزمون واقعیت، انعطاف پذیری)

مدیریت تنیدگی (مهار برانگیختگی، تحمل برانگیختگی)

خلق عمومی (خوش بینی، شادمانی)

در ادامه باید گفت زن و شوهر محور اساسی خانواده هستند که روابط آنان در زندگی مشترک در قرآن براساس دو بعد اساسی بیان شده است :

الف) مودت: علاقه، دوستی، مصاحبت از یک طرف .

ب) رحمت: درک، سازش، تحمل، بخشش از طرف دیگر .

و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم موده و رحمه (روم، ۲۱).

در خانواده ایرانی در چند دهه اخیر به نظر می رسد با جابجایی نقش و گاه با اغتشاش نقش مواجه هستیم و این مهم به دلایل متعدد اتفاق افتاده است. محوریت و مدیریت خانم ها در خانواده ایرانی نسبت به سابق بیشتر شده و به نظر می رسد نقش محوری مرد در خانواده کمرنگ شده است. خانواده ها اکثراً تمایل به هسته ای بودن دارند بدون اینکه مکانیزم های لازم یک زندگی مستقل را کسب کرده باشند و روز به روز مقدمات مادی تدارک یک زندگی مستقل کاهش می یابد، در نتیجه نرخ ازدواج کاهش

یافته و روز به روز آمار طلاق افزایش می یابد. فاصله گرفتن و دور شدن از فرهنگ اسلامی خود یکی از دلایل افزایش آمار طلاق است و پیامد هر دوی این مسائل انحراف های پیشرونده در جامعه ایرانی امروز است.

در مبحث رضایت مندی زناشویی والس (۱۹۸۲) می نویسد: طرق مختلفی برای تعریف رضایت مندی زناشویی وجود دارد که یکی از بهترین تعریف ها توسط هاکینز ارائه گردیده است. وی رضایت مندی زناشویی را احساسات عینی از خشنودی، رضایت و لذت تجربه شده توسط زن و شوهر موقعی که تمام جنبه های ازدواجشان را در نظر بگیرند، تعریف می کنند. رضایت یک متغیر نگرشی است و بنابراین یک خصوصیت فردی زن و شوهر محسوب می شود. طبق تعریف فردی، رضایتمندی زناشویی در واقع نگرش مثبت و لذت بخش است که زن و شوهر از جنبه های مختلف روابط زناشویی دارند (سلیمانیان، ۱۳۷۳).

در مقابل رضایت مندی زناشویی، فرآیند نارضایتی زناشویی به فقدان تدریجی وابستگی عاطفی، کاهش توجه، دوری عاطفی، افزایش احساس بی تفاوتی و بی علاقهگی اشاره دارد بدین ترتیب که احساسات مثبت در طول زمان جانشین احساسات خنثی و حتی منفی می شود.

نارضایتی زناشویی را شاخصی می دانند که زوجین به وسیله آن به رابطه خود ادامه داده و یا آن را ختم می کنند. آنان تأیید می کنند که نارضایتی متقابل نتیجه مشکلات دیگر در رابطه است تا به عنوان اولین علت، زوجین گزارش می دهند به خاطر این طلاق می خواهند که همدیگر را دوست ندارند اما از دست دادن عشق معمولاً سال ها تنش حل نشده در رابطه است.

تحقیق ها و پژوهش های بسیاری در زمینه ی آثار شناخت هوش هیجانی در زندگی فردی، خانوادگی، اجتماعی و زناشویی و همچنین رضایت مندی زناشویی انجام شده است که نتایج آن این چنین بوده است:

- خانواده هایی که قادرند احساساتشان را بهتر تعریف و بیان کنند وقتی برای آن ها برانگیختگی هیجانی ایجاد می شود سریع تر فشار خونشان به وضعیت عادی بر می گردد.

- کاهش باور غیر منطقی، تعارض کاهش یافته، افسردگی کاهش می یابد و روابط بین فردی متعادل می شود.

- توانایی پایین حل مسأله، پرخاشگری همسر و داشتن ارتباطی مشکل زا، می تواند زمینه ساز بروز علائم افسردگی ناشی از ناهماهنگی زناشویی باشد.

- بسیاری از جدایی های میان همسران ناشی از فقدان یک روند ارتباطی صحیح و وجود روابط نادرست میان آنان است.

- زوج های درمانده و تحت فشار معمولاً مشکلاتی را در حیطه ارتباط های خود تجربه می کنند. آنها به ویژه شدیداً گرفتار الگوهای ارتباطی بی حاصل هستند.

- زنان و مردانی که از هوش هیجانی پایین تری برخوردارند رضایت مندی زناشویی پایین تری دارند.

- مذهب تاثیر عمده ای در رضایت زناشویی داشته اما در حل مشکل زناشویی تاثیر چندانی ندارد.

روش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی، از نظر ماهیت توصیفی و از نظر روش زمینه یابی است. روش تحقیق در فرضیه اول و دوم و سوم تحقیق همبستگی است که همبستگی متغیرهای آن در نظر گرفته شد. در فرضیه چهارم و پنجم از میانگین مستقل استفاده شد. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانشجویان دانشگاه های آزاد ساری، نکا و قائم شهر تشکیل می دهند که ۱۲۳۵۶ نفر دانشجویان ساری، ۱۸۵۷ نفر دانشجویان نکا و ۱۰۷۲۸ نفر دانشجویان دانشگاه آزاد قائم شهر می باشند. این تعداد بعد از قرار گیری در جدول تناسب به صورت ۵۰ نفر از دانشجویان ساری، ۷ نفر از دانشجویان نکا و ۴۳ نفر از دانشجویان قائم شهر به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند.

ابزار گردآوری داده ها

ابزار اندازه گیری در این پژوهش پرسشنامه هوش هیجانی « بار- آن^۱ » می باشد که دارای ۱۱۷ سؤال و ۱۵ مقیاس می باشد که توسط بار- آن (۱۹۸۶) بر روی ۳۸۳۱ نفر از ۶ کشور (آرژانتین، آلمان، هند، آفریقای جنوبی) که ۴۸/۸ درصد آنان مرد و ۵۱/۲ درصد آنان زن بودند، اجرا شده و به طور سیستماتیک در آمریکای شمالی هنجاریابی گردید. نتایج حاصل از هنجاریابی نشان داد که آزمون از حد مناسبی از اعتبار و روایی برخوردار است.

پاسخ های آزمون نیز بر روی یک مقیاس ۵ درجه ای در طیف لیکرت (کاملاً موافقم، موافقم، تا حدودی، مخالفم، کاملاً مخالفم) تنظیم شده است. مقیاس های آزمون عبارتند از:

« خودآگاهی هیجانی^۲ »: توانایی آگاه بودن و درک احساس خود.

« خود ابرازی^۳ »: توانایی ابراز احساسات، باورها و افکار صریح و دفاع از مهارت های سازنده و بر حق خود.

« عزت نفس^۴ »: توانایی آگاه بودن از ادراک خود، پذیرش خود و احترام به خود.

« خود شکوفایی^۵ »: توانایی درک ظرفیت های بالقوه و انجام چیزی که می توان انجام داد، تلاش برای انجام دادن و لذت بردن.

« استقلال^۶ »: توانایی هدایت افکار و اعمال خود و آزاد بودن از تمایلات هیجانی.

« همدلی^۷ »: توانایی آگاه بودن و درک احساسات دیگران و ارزش دادن به آنها.

« مسئولیت پذیری اجتماعی^۸ »: توانایی بروز خود به عنوان یک عضو دارای حس همکاری، مؤثر و سازنده در گروه.

« روابط بین فردی^۹ »: توانایی ایجاد و حفظ روابط رضایت بخش متقابل که به وسیله نزدیکی عاطفی، صمیمیت، محبت کردن و محبت گرفتن توصیه می شود.

« واقع گرایی^{۱۰} »: توانایی سنجش هماهنگی بین چیزی که به طور هیجانی تجربه شده و چیزی که به طور واقعی وجود دارد.

« انعطاف پذیری^{۱۱} »: توانایی سازگار بودن افکار و رفتار با تغییرات محیط و موقعیت ها.

« حل مسئله^{۱۲} »: توانایی تشخیص و تعریف مشکلات، به همان خوبی خلق کردن و تحقق بخشیدن راه حل های مؤثر و بالقوه.

« تحمل فشار روانی^{۱۳} »: توانایی مقاومت کردن در برابر رویدادها، موقعیت های فشارآور و هیجانانگیز، بدون جا زدن و یا رویارویی فعال و مثبت با فشار.

« کنترل تکانشی^{۱۴} »: توانایی مقاومت در برابر یا تکانش، سابق یا فعالیت آزمایشی و یا کاهش آنها، همچنین توانایی کنترل هیجانانگیز خود.

« خوش بینی^{۱۴} »: توانایی زیرکانه نگاه کردن به زندگی و تقویت نگرش های مثبت، حتی در صورت بروز بدبختی و احساسات منفی.

-
1. Bar – on Emotional Questriant
 2. Emotional self – Awareness (ES)
 3. Assertivieness (AS)
 4. Self – Regard (SR)
 5. self – Actualization (SA)
 6. Independence (IN)
 7. Empathy (EM)
 1. Sicial Responsibility (RE)
 2. Interper sonal Relationship (IR)
 3. Realty Testing (RT)
 4. Exibility (FL)
 5. Problem Solving (PS)
 6. Impulse control (IC)
 7. Optimism (OP)

« شادمانی^۱»: توانایی احساس خوشبختی کردن با زندگی خود، لذت بردن از خود و دیگران، داشتن احساسات مثبت، صریح، مفرح و شوخ.

برای اطمینان از پایایی پرسشنامه، پس از اجرای آزمایشی آن در نمونه ای با حجم ۳۰ نفر، از طریق محاسبه آلفای کرونباخ مقدار پایایی برابر ۰/۸۵ بدست آمد. که این میزان نشان دهنده پایایی بالا و انسجام درونی سوالات پرسشنامه می باشد.

یافته ها

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده ها از روش آمار توصیفی و آمار استنباطی از طریق برنامه نرم افزاری SPSS استفاده شده است. در ادامه به بررسی آماری فرضیه های پژوهش می پردازیم:

فرضیه اول: بین هوش هیجانی و تعارضات زناشویی در زنان و مردان رابطه وجود دارد.

جدول (۲) رابطه بین هوش هیجانی و تعارضات زناشویی

متغیر	R (ضریب همبستگی)	P (سطح معناداری)	N (تعداد)
هوش هیجانی و تعارضات زناشویی در زنان و مردان	-۰/۷۰۶	۰/۰۱	۱۰۰

در آزمون تعارضات زناشویی نمره پائین بیانگر پائین بودن تعارض و بالا بودن رضایت زناشویی است. R محاسبه شده برابر با -۰/۷۰۶ است یعنی هر چه هوش هیجانی در افراد بیشتر باشد به همان نسبت تعارضات زناشویی کاهش پیدا می کند. در این فرض رابطه معکوس است. با توجه به داده های محاسبه شده بیان می شود که در سطح ۰/۰۱ فرضیه فوق صحت دارد.

فرضیه دوم: بین هوش هیجانی و تعارضات زناشویی در زنان رابطه وجود دارد.

جدول (۳) رابطه بین هوش هیجانی و تعارضات زناشویی زنان

متغیر	R (ضریب همبستگی)	P (سطح معناداری)	N (تعداد)
هوش هیجانی و تعارضات زناشویی	-۰/۵۶۷	۰/۰۱	۵۰

R محاسبه شده برابر با -۰/۵۶۷ است یعنی هر چه هوش هیجانی در زنان بیشتر باشد به همان نسبت تعارضات زناشویی کاهش پیدا می کند. در این فرض رابطه معکوس است. با توجه به داده های محاسبه شده بیان می شود که در سطح ۰/۰۱ فرضیه صفر رد می شود. بر این اساس فرض تحقیقاتی پذیرفته می شود یعنی هر چه هوش هیجانی در زنان بیشتر باشد به همان نسبت تعارضات زناشویی کاهش پیدا می کند.

فرضیه سوم: بین هوش هیجانی و تعارضات زناشویی در مردان رابطه وجود دارد.

جدول (۴) رابطه بین هوش هیجانی و تعارضات زناشویی مردان

متغیر	R (ضریب همبستگی)	P (سطح معناداری)	N (تعداد)
هوش هیجانی و تعارضات زناشویی	-۰/۷۱۴	۰/۰۱	۵۰

با توجه به داده های جدول فوق R محاسبه شده برابر با -۰/۷۱۴ است یعنی هر چه هوش هیجانی در مردان بیشتر باشد به همان نسبت تعارضات زناشویی کاهش پیدا می کند. در این فرض رابطه معکوس است. با توجه به داده های محاسبه شده بیان می شود که در سطح ۰/۰۱ فرضیه صفر رد می شود. بر این اساس فرض تحقیقاتی پذیرفته می شود یعنی هر چه هوش هیجانی در مردان بیشتر باشد به همان نسبت تعارضات زناشویی کاهش پیدا می کند.

فرضیه چهارم: بین هوش هیجانی و در زنان و مردان تفاوت معنا دار وجود دارد.

جدول (۵) تفاوت بین هوش هیجانی در زنان مردان

متغیر	جنس	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	d.f	آزمون t برای برابری میانگین ها	سطح معنی دار دو دامنه
هوش	زن	۵۰	۳۳۷/۶۴	۲۱/۹۷۵	۹۸	۴/۱۱۹	۰/۰۱
هیجانی	مرد	۵۰	۳۱۶/۱۲	۲۹/۷۵۶	۹۸	۴/۱۱۹	۰/۰۱

همانگونه که در جدول (۵) مشاهده می شود میانگین محاسبه شده هوش هیجانی در زنان ۳۳۷/۶۴ است و میانگین محاسبه مردان ۳۱۶/۱۲ و t محاسبه شده برابر است با ۴/۱۱۹ بیان می شود که فرض فوق صحت دارد یعنی تفاوت معناداری بین هوش هیجانی زنان و مردان مشاهده میشود و فرضیه فوق تایید می شود.

فرضیه پنجم: بین و تعارضات زناشویی در زنان و مردان تفاوت معنا دار وجود دارد.

جدول (۶) تفاوت بین تعارض در زنان و مردان

متغیر	جنس	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	d.f	آزمون t برای برابری میانگین ها	سطح معنی دار دو دامنه
تعارض	زن	۵۰	۶۵/۲۶	۸/۶۵۴	۹۸	۳/۴۱۳	۰/۰۱
زناشویی	مرد	۵۰	۷۳/۶۴	۱۴/۶۱۹	۹۸	۳/۴۱۳	۰/۰۱

با توجه به t محاسبه شده در سطح ۰/۰۱ برابر است با ۳/۴۱۳ و همچنان که میانگین تعارض زناشویی در زنان و مردان مشاهده می شود. تعارض زناشویی در زنان برابر است با ۶۵/۲۶ در حالی که در مردان برابر است با ۷۳/۶۴. با توجه به t محاسبه شده بیان میشود که تفاوت معنا داری بین تعارضات زناشویی زنان و مردان مشاهده می شود. یعنی فرضیه صفر رد می شود و فرض تحقیق ما پذیرفته می شود.

بحث و نتیجه گیری

با عنایت به فرضیه اول که بررسی رابطه بین هوش هیجانی و تعارضات زناشویی افراد بدون در نظر گرفتن جنسیت مورد ارزیابی قرار گرفته است. نتیجه محاسبه شده ۰/۷۰۶- است. که یک همبستگی منفی را نشان می دهد. یعنی هر چه هوش هیجانی افراد بالاتر باشد تعارضات زناشویی آنها کاسته می شود. این آزمون در سطح ۰/۰۱ معنا دار بوده است. تحقیقات بریکر (۲۰۰۵)، بارکت (۲۰۰۵)، مارک (۲۰۰۵)، همیلتون رودینگ (۲۰۰۵)، کونتیز (۲۰۰۵)، با نتایج فوق همسو است. همچنان که در فرضیه دوم مشاهده می شود بررسی رابطه بین هوش هیجانی و تعارضات زناشویی در زنان مورد ارزیابی قرار گرفته است که نتیجه محاسبه شده ۰/۵۶۷- است. که یک همبستگی منفی را نشان می دهد. یعنی هر چه هوش هیجانی افراد بالاتر باشد تعارضات زناشویی آنها کاسته می شود. این آزمون در سطح ۰/۰۱ معنا دار بوده است. تحقیقات بریکر (۲۰۰۵)، بارکت (۲۰۰۵)، مارک (۲۰۰۵)، همیلتون رودینگ (۲۰۰۵)، کونتیز (۲۰۰۵)، با نتایج فوق همسو است. همچنان که در فرضیه سوم مشاهده می شود بررسی رابطه بین هوش هیجانی و تعارضات زناشویی در مردان مورد ارزیابی قرار گرفته. نتیجه محاسبه شده ۰/۷۱۴- است. که یک همبستگی منفی را نشان می دهد. یعنی هر چه هوش هیجانی مردان بالاتر باشد تعارضات زناشویی آنها کاسته می شود. این آزمون در سطح ۰/۰۱ معنا دار بوده است. تحقیقات بریکر (۲۰۰۵)، بارکت (۲۰۰۵)، مارک (۲۰۰۵)، همیلتون رودینگ (۲۰۰۵)، کونتیز (۲۰۰۵)، با نتایج فوق همسو است. دادهای محاسبه شده در این آزمون به بررسی دو میانگین مستقل بین زنان و مردان می پردازد. T محاسبه شده در این آزمون برابر با ۴/۱۱۹ است که در سطح ۰/۰۱ معنا دار می باشد نتایج نشان می دهد که هوش هیجانی در زنان بیشتر از مردان است که با نتایج بارکت، مارک (۲۰۰۵) همسو است.

فرضیه پنجم: داده های محاسبه شده در این آزمون به بررسی دو میانگین مستقل بین زنان و مردان می پردازد. t محاسبه شده در این آزمون برابر با ۳/۴۱۳ است که در سطح ۰/۰۱ معنا دار می باشد نتایج نشان می دهد که تعارضات زناشویی در زنان کمتر از مردان است که با نتایج بارکت، مارک(۲۰۰۵) همسو است. به طور کلی می توان نتیجه گرفت که بین هوش هیجانی و تعارضات زناشویی در زنان و مردان، هوش هیجانی و تعارضات زناشویی در زنان، هوش هیجانی و تعارضات زناشویی در مردان، هوش هیجانی در زنان و مردان، و نهایتاً تعارضات زناشویی در زنان و مردان تفاوت معنا داری وجود دارد.

منابع

بهاری، فرشاد. (۱۳۷۹). ارزیابی و مقایسه کارایی خانواده بین زوج های غیر طلاق و زوج های در حال طلاق، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران .

خدا پناهی، محمد کریم. (۱۳۷۴). نقش های تهییج طلبی در تحکیم روابط زناشویی. رساله دوره دکتری، دانشگاه تربیت مدرس. ذوالفقاری، مصطفی. (۱۳۷۷). بررسی اثربخش زوج درمانی منطقی هیجانی بر افسردگی و روابط بین فردی با مطالعه تک موردی. پایان نامه کارشناسی ارشد، انستیتو روانپزشکی تهران.

سلیمانیان، علی اکبر. (۱۳۷۳). بررسی تأثیر تفکرات غیر منطقی بر نارضایتی زناشویی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران.

موسوی، سید ابراهیم. (۱۳۷۷). بررسی تأثیر خانواده درمانی ساختاری در کاهش اختلافات رفتاری کودک (مطالعه تک موردی). پایان نامه کارشناسی ارشد. انستیتو روانپزشکی تهران .

مهدوی، محمدصادق. (۱۳۷۵). بررسی و مقایسه عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی. تهران: انتشارات رشد. مهدویان، فاطمه. (۱۳۷۶). بررسی تأثیر آموزش و ارتباط بر رضایتمندی زناشویی و سلامت روان. پایان نامه کارشناسی ارشد. انستیتو روانپزشکی تهران .

Bar - oh, R. (2000), "emotional and social intelligence: Insights from the emotional Quotient inventory". In R. Bar-on & J.D. A, Parker (Eds), The hand book of emotional intelligence theory, development, assessment, and application og home, school and in the workplace. Sanfrancisco, CA: Jossey- Boss.

Bar- on, R (2002) , EQ- i Bar- on Emotional Quotient inventory. Technical manual. North to nawanda , my: mlts.

Bar- on, R. (1997a), Baron emotional Quotient inventory: users manval, multi- health systems, inctoroonte.

Bergh, S. & Erling, A (2005), Adolescent development in family contexts. New York: willey.

Fatt, T. j. p. & Howe, I. C. K. (2003), "Emotional intelligence of foreigh and local university students in Singapore implications for managers" , Journal of Business and psychology, 17 (3), 345- 367. Retrieved April 01, 2004, from science direct database.

Mayer, J. D, Salovey, P and Caruso, P (2006), "Emational intelligence as zeitgeist, as personality and as a mental ability." In: Bar – on.

Golman, catano , v. m. (2000), Assessing the predictive validity of emotional intelligence personality and individual (differences), 12,1005- 1016.

Saarni, C (2000), "emotional competence: A development perspective" In. R. Bar – on, & J. A. Parker, the hand book of emotional intelligence. Jossy- Bass.

- Salove, P. tisee, C. K. & Mayer. J. (2001). Emotions in social psychology. In w. G. Parrott (Ed). Taylor & Francis group.
- Zirkel, S (2000), Social intelligence: "Development and maintenance of purposive behavior" In R. Bar – on, intelligence. Jossery- Bass .
- Thaylor, G, J & Bagby, R. M (2000), "Anoverview of the Alexithymia construct". In R. Bar- on, & J. P. A. Parker, the hand book of emotional intelligence. Jossy- Bass .
- Brakett , Marc;Warner,Rebeccam (2005), Emotional intelligence and relationship quality among couples.
- Bricker, Dale ,(2005),The link between marital satisfaction and emotional intelligence.